

پشتیبانی بین المللی از دانشجویان ایرانی

۹ ژوئیه ۲۰۰۳، چهارمین سالگرد، قیام دانشجویان بر علیه رژیم خفقان ایران است.

ما امضاء کنندگان در اینجا حمایت کامل خود را از مبارزات دانشجویان ایرانی بر علیه رژیم بیدادگر ایران اعلام میداریم.

ما همچنین به این نکته هم اشاره میکنیم که مبارزات دانشجویی بر علیه نظام سرمایه داری در پیوند با مبارزات طبقه کارگر ایران است.

ما اعلام موجودیت «اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران» به منظور افشای کلیه اشکال اصلاح طلب و فرصت طلب موجود در درون جنبش دانشجویی و کارگری ایران، را خیر مقدم میگویم.

اتحادیه های دانشجویی و جوانان سوسیالیست:

یونان، ایتالیا، مکزیک، استرالیا
اتریش، بلژیک، آمریکا

امضا ها در صفحه آخر

پیشگام دانشجویی و پیشرو کارگری

جنبش فراگیر و گسترده ی خرداد ماه دانشجویان در اعتراض به ماده ۱۵۳ «برنامه توسعه اقتصادی کشور» آغاز گردید. بر مبنای این ماده از قانون، خوابگاهها و دیگر سرویس های خدماتی دانشجویان به بخش خصوصی واگذار می گردد که این امر بدون شک سبب حذف کردن اکثریت قریب به اتفاق دانشجویانی خواهد شد که وضعیت مالی مساعدی ندارند. در همین راستا چندی پیش نیز، مسوولان وزرات علوم رژیم با طرح مباحث مقدماتی حول و حوش ایجاد تسهیلات بیشتر برای محیطهای آموزش عالی کشور، گامهای اولیه را در راه خصوصی کردن دانشگاههای ملی برداشتند.

بقیه در ص ۲

ص ۳

گزارش کارگری رزا جوان

لباس شخصی ها را در لباسشویی بریزیم!

رژیم جمهوری اسلامی از وحشت خیزش های دانشجویی، برای سرکوب آنها ابتدا انقلاب فرهنگی کرد. «پرفسور» های انقلاب فرهنگی خود را از درون همان دانشگاه بیرون کشید و در رأس این انقلاب فرهنگی گماشت. از دکتر سروش گرفته تا زیبا کلام، هر کدام در این انقلاب فرهنگی لباسهای شخصی و اطو شده برازنده خود را پوشیدند. با فرمان بنی صدر لباس شخصی های آن دوره جلوی در دانشگاهها صف کشیدند.

دانشجویان انقلابی جلوی این کودتای فرهنگی ایستادند، زخمی شدند، زندانی شدند و کشته شدند. نهایتاً دانشگاهها تعطیل شد. با تعطیلی دانشگاهها، فرهنگ جمهوری اسلامی انقلاب خود را پایان رساند.

بقیه در ص ۲



جوان

سوسیالیست

نشریه اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

<http://www.javaan.net>

javan1378@hotmail.com

شماره ۱ ۱۸ تیر ۱۳۸۲

صف مشترک و صف مستقل

سالگرد ۱۸ تیر ۱۳۷۸ فرا رسیده است. ما جوانان سوسیالیست همراه با سایر دانشجویان در یک صف مشترک علیه اقتدارگرایی، سرکوب آزادی، قلدنمنشی «لباس شخصی ها» و بسیجی ها، دزدی های «آقازاده ها»، همراه و همسو هستیم. ما خواهان تقویت صف مشترک جوانان در دانشگاهها و محلات علیه تمام حق کشی ها هستیم.

در عین حال ما خواهان ایجاد یک صف مستقل نیز هستیم. ما خواهان ایجاد یک صف مستقل سوسیالیستی در درون جنبش جوانان هستیم. چرا؟ چون که در درون جنبش جوانان نیز همانند کل جامعه عقاید، نظرات و ایدئولوژی های متفاوت وجود دارد. گرچه همه ما دانشجویان در مبارزه علیه اقتدارگرایی وجه اشتراک داریم، اما در مورد جایگزینی اقتدارگرایی میان ما نا هماهنگی و ناروشنی وجود دارد. برخی خواهان صرفاً «اصلاح» وضعیت موجود هستند. برخی تمایل به نظرات کسانی پیدا می کنند که الگوهای کشورهای سرمایه داری اروپایی را تبلیغ می کنند. و بعضی ها هم چشم امید به رهایی ایران توسط مداخله دولت آمریکا دوخته اند. ما مخالف این گرایش های فکری هستیم.

برقراری آزادی های دموکراتیک در ایران تنها با نیروی خود مردم ایران و در رأس آن کارگران و متحدان آنها (جوانان؛ زنان و ملیت های تحت ستم) امکان پذیر است. دولتهای کشورهای اروپایی و آمریکا تنها برای پر کردن جیب های خود و چپاول منابع ایران و استفاده از نیروی کار ارزان می خواهند وارد ایران بشوند. آنها هیچگاه برای مردم ایران دلشان نسوخته است. آنها امروز با استفاده از امکانات مالی سرشار (رادیو و تلویزیون و متحدان ایرانی شان مانند سلطنت طلبان) خواهان کشاندن جنبش دانشجویی به سمت و سوی خود هستند تا بتوانند کارگران و زحمتکشان ایران را مانند زمان شاه استثمار کنند. دولت های کشورهای اروپایی و متحدان ایرانی شان مانند جمهوری خواهان نیز به دنبال منافع سرمایه داران خودشان هستند.

بقیه در ص ۲

صف مشترک و صف مستقل

از اینرو ضروری است که جوانان سوسیالیست صف مستقل خود را از هم اکنون در جنبش دانشجویی ایجاد کنند. متحدان واقعی جوانان در راه کسب آزادی و دموکراسی، سرمایه داران داخلی (اصلاح طلبان) و خارجی (سلطنت طلبان، جمهوری خواهان و سوسیال دمکرات) نیستند. متحدان واقعی دانشجویان، کارگرانی هستند که سکان اصلی اقتصادی را در دستشان دارند. گرچه امروز به علت خفقان و وضعیت وخیم اقتصادی کارگران هنوز وارد صحنه مبارزه ضد سرمایه داری نشده اند، اما کماکان نیروی بالقوه انقلابی هستند. کارگران متشکل ایران در دوره آتی می تواند زمین لرزه هایی اجتماعی بوجود آورند. دانشجویان برای دسترسی به دموکراسی بایستی در یک صف مستقل از سایر گرایش های انحرافی موقعیت کارگران را تقویت کنند. به امید آنکه ۱۸ تیر امسال آغاز این روند باشد.

ماتی روشنگر
۱۴ تیر ۱۳۸۲

پیشگام دانشجویی و پیشرو کارگری

از ص ۱
جنبش فراگیر دو هفته ای دانشجویان و سایر اقشار مردم، علاوه بر عدم موفقیت رژیم در اجرای این قانون سبب شد که اجرای قانون مربوطه تا اطلاع ثانوی به حالت مسکوت در آید. بخشی از جنبش دانشجویی در این مقطع، علاوه بر بازنگری و بکارگیری اشکال مختلف مبارزات در دوره های پیشین، راههای مناسب تری را برای فائق آمدن به مطالبات بر حق خود در دستور کار قرار داده اند. ایجاد میلیشای نقاب دار جهت مقابله با لباس شخصی ها در همان روزهای نخست قیام، یکی از نتایج مبارزاتی بود که دانشجویان از دوره های پیشتر به دست آورده بودند. گروهان میلیشایی که در دسته های پنج، شش و هشت نفره خود را مسئول حفاظت از فضای خوابگاهها در هنگام اعتراضات دانشجویی دانسته و عوامل نفوذی را دستگیر و پدافند لازم را در مقابل حملات مزدوران رژیم بکار بستند.

چیزی که بمانند دوره های پیش مجددا فقدان آن بسیار ملموس احساس می شد، نبود تشکلات مستقل دانشجویی بود که بتوانند در این موقعیتهای حساس با طرح شعارهای مستقل و رادیکال مبارزات را در سطوح سراسری رهبری نموده و به پیش برد. بدون شک، سرکوب و اختناق شدید در فضای دانشگاهها و وجود گروههای رسمی دانشجویی از جمله موانع و عواملی بوده اند که از ظهور تشکلات مستقل دانشجویی جلوگیری کرده اند. اما با وجود تمام فشاری که به جنبش دانشجویی وارد شده و می شود، پیشگام این جنبش با ساختن گروههای رادیکال خود، گامهای اولیه را برای ایجاد تشکلات مستقل در سطوح سراسری بر می دارد.

پیشگام جنبش دانشجویی نیک می داند که جنبش اش با وجود پنج دهه مبارزه ی پیگیر برای کسب آزادی و برابری به تنهایی قادر نیست که رژیم سرمایه داری ملایان را از اریکه قدرت به زیر کشیده و حاکمیت شورایی را در جامعه مستقر کند. دانشجویان مبارز با مرور تاریخ خونبارشان به این نتیجه رسیده اند که اگرچه آنان قادرند اگرچه نخستین مشعل مبارزات را روشن کنند ولی آن

طبقه ایی که قادر است این مشعل را تا سر منزل مقصود ببرد، طبقه ایی جز طبقه کارگر نیست.

پیشگام دانشجویی، پیوند با پیشروی کارگری (به مثابه ذهن بیدار طبقه کارگر ایران) را در دستور اصلی کار خود قرار داده و موافق الحاق صوری طبقه کارگر در اعتراضاتش نیست بلکه خواستار پیشبرد مستقل مبارزات طبقاتی این طبقه در جهت بازیافت سیادت و اعتماد به نفس اش می باشد.

دانشجویان سوسیالیست انقلابی و مبارز در کوششهای شبانه و روزی جهت گذر از موانع مختلف و ارتباط با پیشروی کارگری، در یک رابطه برابر و شانه به شانه با این پیشرو، در جهت تسهیل روند ساختن نطفه های اولیه «حزب پیشتاز انقلابی» شرکت کرده و خود را برای قیامهای سراسری در دوره های آتی، آماده می کنند.

بهر روز حقیقت فر
۱۲ تیر ماه ۱۳۸۲

لباس شخصی ها.....

از ص ۱
اما این رژیم نیازمند متخصصینی بود که باید از همان دانشگاهها بیرون میامدند. پس ناچار شد در دانشگاهها را باز کند. ابتدا با ورود پنج هزار دانشجوی رشته پزشکی موافقت کرد. بالاخره چه کسی باید از روی مین برگشته های بخت برگشته را درمان میکرد. سپس در دانشگاهها بروی همه رشته ها باز شد. اما اینبار قرار بود با حاکم کردن فرهنگ حوزه در دانشگاهها هدف انقلاب فرهنگی خود را دنبال کرده و از آن نتیجه بگیرد. پس ابتدا در دانشگاهها به روی طلبه های حوزه علمیه باز شد و نعلین و عبا آنها به لباس شخصی مبدل شد. نطفه های چیزی که بعدها بنام اصلاحات و اصلاح طلبی معروف شد، همینجا بسته میشد. کمیته چی ها و پاسدارانی که در یورش فرهنگی نقشی فعال داشتند، جلوی در دانشگاهها چادر «وحدت» برپا کرده بودند و از آنجا حمله به دانشگاهها را سامان میدادند، لباس شخصی پوشیده و وارد دانشگاهها شدند. نسلی که بعدها مانیفست نویس شدند تا نسل بعدی جمهوری اسلامی را در جمهوری خواهی پس انداز کنند. سخنگوی دولت، وزیر و مدیر شدند.

بقیه در ص ۳

جوانان سوسیالیست انقلابی! کارگران و دانشجویان!

- اگر با اهداف ما توافق دارید با ما همکاری کنید!
- نشریه «جوان سوسیالیست» را میان جوانان توزیع کنید!
- مقالات و گزارش های وقایع دانشگاهها و کارخانه ها را برای ما ارسال کنید!
- جبهه ضد سرمایه داری را تقویت کنید!
- گرایش های ممانشات جو و اصلاح طلب در درون جنبش دانشجویی و کارگری را افشا کنید!
- برای مبارزه در راه ایجاد حزب پیشتاز انقلابی و تدارک انقلاب سوسیالیستی تلاش کنید!

گزارش کارگری

آنچه در زیر می خوانید حرفهای یکی از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی شهرستان نجف آباد میباشد که در آستانه تعطیلی کامل قرار دارد. این کارخانه که قدمتی چهل ساله دارد، در دوره پهلوی توسط بخش خصوصی اداره میشد. بعد از انقلاب و با اعدام مالک یهودی آن و مصادره کارخانه، به نهاد رهبری واگذار شد. طی این سالها بعثت بدهی های کلان و رشوه خواری و سوء استفاده های مالی بنیاد جانبازان و بنیاد مستضعفان به ورشکستگی کامل دچار شده است. تا سال قبل تعداد ۸۰۰ کارگر در این واحد تولیدی مشغول به کار بودند که چند ماه گذشته با توجه به قانون سختی کار تعدادی بازنشسته شدند. و حالا که تعطیلی کامل کارخانه در پیش است، به کارگران پیشنهاد باز خرید بر اساس طرح تقسیم سابقه به هر ۵ سال و پرداخت نزولی چند ماه حقوق در هر ۵ سال شده است که در ضمن کارگران باز خرید شده امکان استفاده از بیمه بیکاری را نیز نخواهند داشت. مسئولان کارخانه که قصد فروش دستگاهها و زمین کارخانه را دارند با این شرایط غیر انسانی با مبلغ ناچیزی کارگران را اخراج کرده و در حقیقت با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی امروز و تورم صعودی این زحمت کش ترین طبقه جامعه به کام مرگ میفرستند.

رژا جوان

«۲۱ سال است که در سالن بافندگی جان میکنم. بعد از گذشت این همه سال، ماهیانه هشتاد و پنج هزار تومان مزد میگیرم. به علت کار مداوم در این بخش و اینکه امکان استفاده از گوشی را نداشته ام شنوایم را تقریباً از دست داده ام. بعضی از اوقات پرداخت همین مزد ناچیز هم به تعویق میافتاد. مسئولین کارخانه مرتب ورشکستگی را بهانه میکنند. در همین سالنی که ما هستیم، چند سال پیش تعدادی دستگاه خریداری شد که بدون استفاده در انبار ماندند و چند وقت قبل به قیمت خوبی به بخش خصوصی فروخته شدند. این در حالی بود که عیدی کارگرها عقب افتاده بود. از پاداش و بن کارگری هم خبری نیست. من پنج سر عانله دارم که با این

اوضاع نمیدونم چطور اداره شون کنم. به من پیشنهاد بازخریدی دادند، اما با مبلغ ناچیزی که به من میدهند و همینطور قطع شدن بیمه، نمیدونم چه آینده ای پیش رو خواهم داشت.»
خرداد ۱۳۸۲

لباس شخصی ها.....

از ص ۲
اما چرخش تولید نیازی بمراتب بالا تر به متخصصین دارد. پس دانشگاه نمیتواند فقط محل کسب آموزش! برای حافظان سیستم سرمایه داری حاکم باشد. در حالی که کمد های بسیاری از دانشجویان هنوز مملو از اعلامیه و تشریه بود. و صاحبان آنها یا در زندان و یا متواری بودند، رژیم درجه ای مانند قیف برای ورود دانشجویانی جدید گشود. بجز انواع سهمیه های دانشجویی اعم از سهمیه شهید و جانباز، تعدادی از متقاضیان غیر وابسته نیز پس از انواع تست ها و تحقیقات توانستند وارد دانشگاهها شوند. دانشجویی که نه تنها باید ثابت کند علاقه ای به سیاست ندارد، بلکه میبایست ثابت کند تا هفت نسل او رابطه ای با سیاست نداشته است، میتواندست وارد دانشگاه شود.

اینک رژیم مالک دانشگاهی پاکسازی! شده، قلع و قمع شده بود. پس میبایست آنچه که میخواهد از دانشگاه بیرون کشد.

بزودی نسل جدید دانشجو در دانشگاهها بواسطه رشد علمی خود در تناقض با سیستم حاکم قرار گرفت، چرا؟ زیرا دانشجویان از فضا وارد دانشگاه نشدند. بخش عمده ای از این عزیزان، فرزندان کارگران و مزد بگیران فقیر هستند. و همانها هستند که پس از پایان تحصیلات، نسل جدید نیروی تولید را ایجاد میکنند. پس قدم اول ورود دانشجو به دانشگاه همراه است با گرایش معین طبقاتی. لذا دانشگاه محل حضور انواع گرایشهای طبقاتی جامعه است که عمده ترین بخش آن متعلق به طبقه کارگر است. هر مطالبه صنفی-سیاسی، دمکراتیک دانشجویان و مبارزه برای دسترسی به آن میتواند باری از دوش مبارزات طبقه کارگر بردارد. مبارزات دانشجویی بازو جنبش کارگری است. دانشجویان آگاه و انقلابی خوب میدانند که جنبش متین و با وقار کارگری در سطح جامعه هرچند از موضع تدافعی،

اما روزی نبوده که سکوت داشته باشد. در واقع اعتراضات وسیع دانشجویی منعکس کننده اعتراض اکثریت عظیم جامعه، یعنی کارگران و مزد بگیران فقیر است. درست به همین دلیل است که انواع گرایشهای ضد انقلابی و غیر انقلابی با به تن کردن لباس شخصی، تلاش شبانه روزی دارند تا جنبش دانشجویی را از جنبش طبقاتی و پیوندش با جنبش طبقه کارگر جدا کنند.

رفقای دانشجو، جوانان انقلابی، لباس شخصی هایی که در مقابل شما با چاقو و قمه و با هر سلاح مورد نیازشان به شما حمله ور میشوند فقط بخشی از لباس شخصی های سرکوب کننده جنبش شما هستند. بخش دیگری از آنها شخصیت خویش را در لباس های شخصی نو نوار پنهان میکنند تا به داد سیستم سرمایه حاکم، این عامل تمامی بدبختی ها برسند. گرایشهای اصلاح طلب بخشی از آنها هستند (نگاه کنید به بیانیه رفقای دانشجویی اعتصابی مشهد) گرایشهای سلطنت طلب و مشروطه خواه بخشی دیگر از آن لباس شخصی ها هستند. آنها به رسم مشروطه خواهی برای جلوگیری از پیوند جنبش دانشجویی با جنبش طبقه کارگر، برای مبارزات دانشجویی برج و بارویی میسازند تا این جنبش را در آن محصور کرده و از این طریق بجای حمایت از محاصره شوندگان محاصره کنندگان را حمایت کنند. آنها با تمام امکانات و تجهیزاتشان از بیان شعارهایی نظیر «شاه شاه اکبر شاه بگو مرگ بر شاه» وحشت دارند. این دمکرات منسانی که در جنبش انقلابی کارگران و دانشجویان در سال ۵۷ به زباله دان ریخته شدند، برای بیان دمکرات منشی خود در قدم اول خود را رسوا میکنند. اینان چگونه دمکرات هایی هستند که به اراده عظیم کارگران و توده های فقیر و دانشجو در انقلاب ۵۷ احترام نمیگذارند و دوباره میخواهند همان وضعیت را بر پا کنند و باز میگویند ما طرفدار دمکراسی هستیم!

گرایشهای مماشات جو، اصلاح طلب لیبرال، ملی مذهبی! همگی تلاششان تنها برای حفظ سیستم سرمایه حاکم است و تنها با تغییر و یا تعدیل رژیم سیاسی آخوندی حاکم مشکل دارند. (از همه آنها بپرسیم کدامتان با خصوصی سازی مخالفید و بعد خواهیم دید دم خروشان را.)

بقیه در ص ۴

پشتیبانی بین المللی از دانشجویان ایرانی

از ص ۱

یونان:

پاناگیوتیس کولووس، دانشجو در آتن، منشی کمیته دفاع از آموزش و پرورش دولتی ایلاس کیروسیس، دانشجو، عضو هیئت تحریریه روزنامه «اتحاد دانشجویان» نیکی اسکینیوتی الکساندروس گکوگوسیس جیانیس کاواکا جیانیس فناکیس پروس نینوس ایونیالد سنا فلوریان دانی کاتارینا پاپادیمیتروپولو رزا اسکنازی آندا جورجیو پاناگیوتیس بوراس نیکو ساپرانیدیس، دانشجو و عضو «پاسوک جوان» اورستیس دولاس اتریش:

استرالیا:

اینار اتزن بوک، عضو «جوانان سوسیالیست استرالیا» اوانسنسون، عضو «جوانان سوسیالیست استرالیا» گنورگ مولر، عضو «جوانان سوسیالیست فورال برگ یوسف فالکینگر، عضو «جوانان سوسیالیست استرالیا شمالی» مانو گرینر، عضو «جوانان سوسیالیست استرالیا جنوبی»

اتریش:

کارین شاکه، عضو «جوانان سوسیالیست وین» لوکاس ریپلر، عضو «معرفی دانشجویان در منطقه» در «تیرول» میچی ترویل، عضو «معرفی دانشجویان در منطقه» در «تیرول» یوناکیم ووستنر، نماینده دانشجویان در «اینس بوک» یسیکا کووی، نماینده دانشجویان در «اینس بوک» آنا هایدگر، نماینده دانشجویان در «اینس بورگ» میهای سبابی، نماینده دانشجویان در «لینز» سوسیالیستهای جوان در «آسرگوند» - وین

سوسیالیستهای جوان در «یوسف استاد» - نین

سوسیالیستهای جوان در «مولدینگ» سوسیالیستهای جوان در «کرمز» سوسیالیستهای جوان در «باد ایشل» سوسیالیستهای جوان در «رومربر - لینز» سوسیالیستهای جوان در «فرالبرگ»

مکزیک:

۱- اوپالدو اورویزا - مسنول هماهنگی کمیته سراسری دانشجویان در دفاع از آموزش و پرورش دولتی در مکزیک
۲- کارلوس ماکز - کمیته امور سیاسی دانشجویان «لوچا» در انستیتو ملی رشته علوم سیاسی در مکزیک
۳- کارلا تورس بلتران دانشکده شماره ۳ دانشگاه سراسری علوم آتومی در مکزیک
۴- کاساندرا کاسترو پاسترانا، دانشکده شماره ۵ دانشگاه سراسری علوم آتومی در مکزیک
۵- کارلوس کرسپو، دانشکده شماره ۵ دانشگاه سراسری علوم آتومی در مکزیک
۶- خوان پابلو رامیرز، دانشکده علوم حرفه ای در مکزیک
۷- دن سلدیوار کروز، دانشکده شماره ۳
۸- آنجل کادوسا فلورس، انستیتو آموزشی رشته خبرنگاری
۹- سزار گانزالس لورنزو، دانشکده شماره ۱۳ صنعتی
۱۰- آخاندر لونا، دانشکده حرفه ای آراگون
۱۱- آدان مهیا - فوق دیپلم از دانشکده شماره ۳
۱۲- دییگو آرمادو - دانشجوی دانشکده پزشکی
۱۳- کارلو دوآنگلو - دانشجوی دانشکده علوم ادبی
۱۴- لورا گاردونیا - دانشجو
۱۵- مونیکا پارادا - دانشجو
۱۷- دانیل دییگوس مارتینز - دانشجو
۱۸- آدریانا بلانکو، دانشکده علوم حرفه ای
۱۹- لیلیانا بانوتیسکا باسولتو - دانشکده علوم حرفه ای
۲۰- تانیا بنیتز - دانشکده علوم حرفه ای
۲۱- رادریگو کروز - کمیته دانشجویان علوم سیاسی در «لین چا»
۲۲- هوریه آبرتو گوادراما - کمیته دانشجویان علوم سیاسی در «لین چا»
۲۳- آلفونسو وردیگل - دانشکده هنرهای پلاستیکی
۲۴- ریکاردو موندراگون - دانشکده شماره ۵
۲۵- دن سالدیوار کروز - دانشکده شماره ۳

۲۶- میگل بلو - عضو دفتر علوم اقتصاد

بلژیک:

تاتیانا توماس - عضو شورای دانشجویی دبیرستان «آرته ورده» در «گهنت بلژیک»

ایتالیا:

فرانسیسکو باویلا، ویتوریو سالدوتی، داریو سالتوتی، جیوانی ساوینو، سارا پارلاورچیا، ماتنو مولینارو - کمیته هماهنگی سراسری دفاع از آموزش و پرورش دولتی داریو سالتوتی، هاکوپو رندا، الیزابتا روسی - اعضای کمیته سراسری «کمونیستهای جوان» پانولو برینی - کمیته سراسری دانشجویی و کارگران فلزکار استفانو پل - کمیته سراسری اتحادیه کارگران موقت آلساندرو جیاردیلو، عضو کمیته مرکزی «بنیاد کمونیستها» کلودیو بلوتتا، عضو کمیته مرکزی «بنیاد کمونیستها»

آمریکا:

اتحادیه دانشجویی YFIS USA

لباس شخصی ها

از ص ۳

در حالی که موضوع اعتراضات اخیر دانشجویی مبارزه با این خصوصی سازی بود و درست همین مخرج مشترک مبارزات دانشجویی با مبارزه طبقاتی طبقه کارگر است. درد ما اما سیستمی است که از دل آن بارها و بارها از این نوع رژیم ها بیرون میزند. با شعار مرگ بر سیستم سرمایه داری در اعتراضات خود خواهیم دید که چگونه آنها متواری میشوند. با این شعار پیوند خود را با جنبش کارگری به نمایش میگذاریم و بمثابة یک طبقه در مقابل طبقه سرمایه دار میایستیم. لباس شخصی های طبقه حاکم سرمایه داری، چه جیره خوار و چه جیره پرداز آنها، همگی را یکجا به چالش بگیریم. رفقا، این نبرد طبقاتی است. کشمکش فقر و غنا است. صفوف خود را از نیروها و اندیشه های سرمایه داری پاک کنیم. به آنها ثابت کنیم که موضوع اعتراضات ما موضوع نابودی آنهاست.

ستار احمدی

۱۴ خرداد ۱۳۸۲